

بازیگر «باغ گیلان» فوت کرد

اکبر طوفان پناه، بازیگر قدیمی سینما که از مدتی قبل بر اثر سکته در بیمارستان بستری شده بود و بیش از یک ماه را نیز در کما گذراند، صبح ۲۶ اردیبهشت ماه فوت کرد. علی اکبر طوفان پناه، متولد ۱۳۱۷ بود و فعالیت بازیگری اش را از سال ۱۳۵۱ بابازی در فیلم «سرگروهیان» ساخته سعید مطلبی آغاز کرد و در ادامه در بسیاری از فیلم های سینمایی مثل «قادر»، «بیگانه»، «رامشگر» و... نقش های مکمل ایفا کرد. این بازیگر که از سال ۱۳۸۶ دیگر در عرصه بازیگری حضور نداشت، عمده فعالیتش به سال های پیش از انقلاب برمی گردد و بعد از آن نیز در فیلمها و سریال هایی همچون «معصوم»، «باغ گیلان» و «عباران» بازی کرده بود. آخرین فیلمی که طوفان پناه در آن ایفای نقش کرد، «عروسی مامان» بود که پس از آن حدود ۱۵ سال از بازیگری کناره گرفت تا لحظه مرگ. او همچنین در کنار بازیگری به عنوان مدیر تولید هم فعالیت هایی داشت.



درگذشت یک باستان شناس پیشکسوت

قاسم فضلی، پیشکسوت باستان شناسی کشور در سن ۷۵ سالگی درگذشت. پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری فقدان حضور این پیشکسوت باستان شناسی را به جامعه علمی کشور، استان مرکزی به ویژه جامعه باستان شناسی ایران تسلیت گفت. خبرگزاری ایسنا نیز با اعلام این خبر نوشت: «فضلی از نسل اول باستان شناسان ایران و دانش آموخته باستان شناسی و مردم شناسی خاورمیانه از دانشگاه گوتینگن آلمان بود که بیش از ۵ دهه عمر گرانقدر خود را در راه شناسایی و حفاظت آثار تاریخی ایران و استان مرکزی صرف کرد.» افزون بر فعالیت های میدانی باستان شناسی، از قاسم فضلی آثاری به جا مانده است که مهمترین آن ها «ختاهای رنگارنگ» در باب موسیقی ایران براساس مدارک باستان شناسی و «سایه های معماری در استان مرکزی» است.



جشنواره کن افتتاح شد

هفتاد و هفتمین دوره جشنواره فیلم کن عصر سه شنبه با نهم ملایم باران در کاخ جشنواره کار خود را شروع کرد. وایتی در این باره نوشته است: «جشنواره کن امسال با فیلم افتتاحیه «پرده دوم» که یک کمدی با بازی لئا سیدو و لویی گارل است، شروع به کار کرد اما چهره اصلی شب افتتاحیه بدون شک مریل استریپ بود که برای دریافت نخل طلای افتخاری حاضر شد و با ضرب آهنگ تپنده «ماما میا!» از پله های کاخ جشنواره بالا رفت و جایزه خود را در دست ژولیت بینوش، بازیگر مشهور فرانسوی دریافت کرد. او در این مراسم از قول مادرش گفت: عزیزم، خواهی دید که همه چیز چقدر سریع جلوی من رود.» قبل از نمایش «پرده دوم»، جشنواره کن هیئت داوران خود را روی صحنه آورد که شامل عمر سسی، لیلی گلاستون، نادین لبکی، ابرو جیلان، هیروکازو کوره نیدا و جی. ای. بایونا به ریاست گرتر گرویک بودند. سازنده «باربی» در این مراسم در سخنان کوتاهی جشنواره را عبادتگاه عاشقان سینما خواند.

اعتراض حسین اعتراض خداست

درباره آخرین اثر منتشر شده داود فیرحی



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

اگر بخواهیم از سه اتفاق سیاسی تاثیرگذار صدر تاریخ شیعه نام ببریم، می توان آنها را تاسیس حکومت علوی، انعقاد صلح حسنی و قیام حسینی نامید؛ رخدادهایی که حتی همچنان و در میانه رقابت های سیاسی روز در ایران هم مورد استناد قرار می گیرند و افراد و جناح های مختلف می کوشند با ارجاع به آنها از رفتارهای سیاسی خود دفاع کنند. نمونه ای از این مواضع در دهه اخیر به خصوص در زمینه انعقاد قرارداد برجام قابل مشاهده است؛ آنجا که برخی رویکرد تعاملی حکومت را با اتکا به صلح حسینی توجیه می کردند و در مقابل مخالفان آنها از سنت عاشورایی لزوم ایستادگی در برابر ظالمان و تقابل با مستکبران سخن می گفتند. به هر روی باز تردیدی نیست که واقعه عاشورا آمیختگی منحصر به فردی باز یست جمعی ایرانیان

معرفی کتاب

عاشورا؛ فساد و اصلاح

نویسنده:

داود فیرحی

انتشارات:

نشرنی

قیمت: ۱۷۰ هزار تومان



پیدا کرده و از همین روی همچنان از نظر خیلی از محققان علوم دینی و سیاسی، عرضه روایتی صحیح از آن، واجد آثاری قابل ملاحظه در زندگانی مردمان این روزگار است؛ کمالینکه برخی تحلیل ها در چرایی وقوع انقلاب ۱۳۵۷، ارائه روایتی انقلابی از حرکت حسین بن علی را نزد گروهی از روشنفکران دینی که

فوران خون

در اردوگاه پناهندگان



نرگس کیانی

خبرنگار گروه فرهنگ

افزایش تقاضای پناهندگی چه از طرف ایرانیان و چه از طرف ساکنین کشورهای همسایه؛ سوریه، عراق، افغانستان، پاکستان و... به کشورهای اروپایی و ناگزیری بخش عمده شان از زندگی در اردوگاه های پناهندگی، موضوعی است که به خصوص در سال های اخیر و با وخامت بیش از پیش شرایط زندگی در این کشورها بارها و بارها به سرخط خبرها تبدیل شده است؛ موضوعی که این بار دستمایه نویسنده ای جوان قرار گرفته است تا از مجموع آن چه بارها و بارها در خصوص شرایط غیر انسانی و اسفبار این پناهجویان شنیده شده است، رمانی ۱۳۲ صفحه ای بنویسد. حسین قسامی، متولد ۱۳۸۶ و نویسنده ای

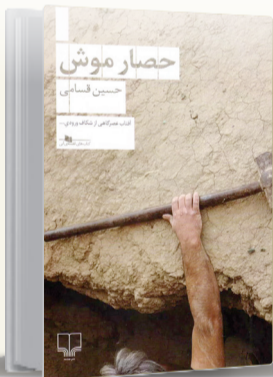
معرفی کتاب

حصار موش

نویسنده: حسین قسامی

انتشارات: چشمه

قیمت: ۱۲۰ هزار تومان



جوان اما پرکار است که تاکنون شش رمان از او منتشر شده است. داستان تازه ترین رمان او، «حصار موش» درباره ی یک مسئله ای اجتماعی است که شاید بتوان آن را یکی از بفرنج ترین چالش های حال حاضر دنیا دانست؛ پناهندگان و شرایط بسیار بد سکنی گزینی آن ها در کشورهای مقصد. مردمی که به واسطه ی جنگ زدگی یا اوضاع و شرایط ناگوار امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مجبور به ترک وطن شده اما پیش از رسیدن به مقصد شرایطی به مراتب دشوارتر در انتظارشان است.

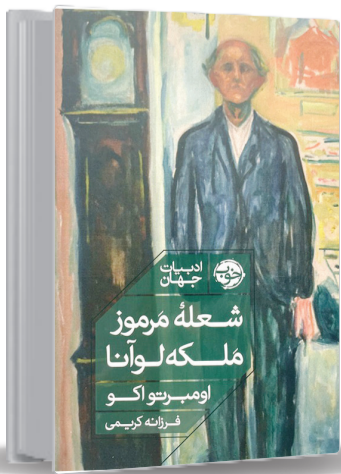
«حصار موش» در یک اردوگاه پناهجویان در یونان می گذرد. اردوگاهی که به دلیل ازدحام بیش از حد مهاجران، بدل به زندانی تنگ و مخوف شده است. پناهندگان که اغلب ایرانی، سوری و افغانستانی هستند در آرزوی امنیت و آینده ای که از آن ها سلب شده است به آن جا پناه آورده اند اما در این سیاه چاله به چنان پلیدی و نکتی دچار می شوند که به هر سو می نگرند جز خون و جنازه نمی بینند؛ جنازه هایی شکم دریده که در همه جا به چشم می خوردند و دل و روده های بیرون ریخته. اسد، تراب و زبور سه پناهجوی ایرانی اند که با پرسه زدن میان چادرهای دیگر پناهجویان و دزدی و اخاذی از آن ها روزگار می گذارند و تعادل اولیه ی داستان آن جا به هم می خورد که یکی از دزدی ها طبق برنامه پیش نمی رود و تراب در برابر چشم زبور همسر پناهجویی دیگر به نام گلشاه را در نبود او به قتل می رساند. گلشاه که از چندو چون مرگ همسرش بی اطلاع است از اسد، تراب و زبور می خواهد با یکدیگر او را به خاک بسپارند بی آنکه مامورین پناهگاه را مطلع کنند و این گونه از سهمیه غذایی ای که هر بار به نام همسر درگذشته اومی گیرند،

در میان مهبی غلیظ از فراموشی می یابد. مهبی که نمی گذارد چیزها را در درون حافظه اش ببیند.

رمان «شعله های مرموز ملکه لوانا»، جدیدترین اثر ترجمه شده از امبرتو کو به فارسی است. رمانی درباره نبود حافظه و سیطره فراموشی. سکنه مغزی. قهرمان داستان، خواننده را وارد فضای خوفناک محرومیت از گذشته می کند. اگر یادمان نیاید چه؟ اگر ندانیم چه کسی هستیم، چه گذشته ای داشته ایم و چه سرنوشتی را از سر گذرانده ایم چه؟ به اسارت در دوزخ دانته شبیه است. به یک کابوس مسلج. فکر کنید توی آینه زل بزیند و یادتان نیاید این صورتی است که سال ها با آن زندگی کرده اید! فکر کنید عزیزان تان با غریبه ها برای تان یک طعم و مزه را بدهند.

خاطرات اغلب با دو نوع نگاه از دوسوی پیوستار نگریسته می شوند؛ یا موضوع سرگرمی اند برای یادآوری، یا کانون آسیب و درد و رنج های کهنه اند برای اجتناب و دوری. اما اگر خاطرات خود ما باشند چه؟ اگر ما چیزی نباشیم جز آن چیزها که در مغزمان ذخیره شده چه؟ اگر صبحی بیدار شویم و متوجه عدم دسترسی به مخزن خاطرات و نداشتن توان یادآوری شان شویم، به چه چیزی شبیه خواهیم بود؟ دنیا را چطور باید دنبال کنیم؟ از نو، از اول! انکار لوح سفیدی شده باشیم که بار دیگر باید رویش چیزهایی ثبت شود. و سر پیری؟ نه دیگر، توانی باقی نمی ماند برای شروع تازه.

امبرتو کو در این رمان با ترسیم چنین فضایی، موجودی خلق می کند که شباهت هایی هم به خودش داشته باشد. پیرمردی که در لابه لای کتاب ها، با کتاب ها و برای کتاب ها



معرفی کتاب

شعله های مرموز

ملکه لوانا

نویسنده: امبرتو کو

ترجمه: فرزانه کریمی

انتشارات: نشر خوب

قیمت: ۳۴۴ هزار تومان

می گویند نامش جامباتیستا بودونی است. او را به اختصار یامبو صدا می کنند. زنی به نام پائولا دارد. دو دختر و سه نوه هم. دلال کتاب های عتیقه و قیمتی است. اما خودش چه؟ خودش چه نظری دارد؟ هیچ! هیچ یک از این چیزها یادش نیست. یادش نیست مهربان بوده یا متکبر، وفادار بوده یا هر جایی. یادش نمی آید چطور شده که سر از آن بیمارستان درآورده و چه اتفاقی او را به این فراموشی مبتلا کرده است. یادش نیست وقتی به تصویر خودش در آینه زل می زند، باید چه احساسی داشته باشد! خودش را دوست دارد یا نه؟ معلوم نیست! یامبو خودش را به صورت آدمی رهاسنده



سعید صدقی

مرو نویسن